



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی حجت الاسلام محمد امیری طیبی
در رویداد ملی هجرت ۲؛ روایت فتح می باشد.



تاریخ چاپ: تیرماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

سخنران: حجت الاسلام محمد امیری طبیبی

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: کلان نگری، جهاد تبیین، اقتصاد ولایی، همدلی، ولایت‌مداری

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۴۱۴۱۰۱۶

تاریخ نشر: تیرماه ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزامات نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.

فهرست

۱.....	مقدمه
۲.....	از نگاه جزئی تا کلان‌نگری در روایت انقلاب
۳.....	از جزئیات به کلان‌نگری در اقتصاد
۳.....	روایت واقعیت؛ فراتر از سناریو پردازی
۴.....	از واکنش به شبهات تا پیش‌گیری از شکل‌گیری شبهات
۴.....	نرم‌افزار فکری رهبری (علیه‌السلام)؛ راهنمایی برای جهاد تبیین
۵.....	اقتصاد انقلاب
۶.....	از زیربنا تا روبنا؛ روایتی جامع از اقتصاد
۶.....	محدودیت‌های شاخص‌های اقتصادی متعارف در سنجش اقتصاد ایران
۷.....	صنعتی پنهان با ارقام شگفت‌انگیز در اقتصاد آمریکا
۸.....	مقایسه‌ی اقتصادها؛ مقایسه سبب با پر تقال!
۸.....	شفافیت یا ادراک؟ یک بازی با کلمات در شاخص‌های اقتصادی
۹.....	بحران مسکن؛ رویایی دست نیافتنی برای نسل جوان
۱۰.....	پارادوکس مسکن در ایران؛ مالک یا مستأجر؟!
۱۲.....	قرض و پس‌انداز در غرب؛ نگاهی متفاوت به ارزش‌ها
۱۳.....	بدهی و مصرف‌گرایی؛ چالش‌های اقتصاد غرب
۱۴.....	اقتصاد اجتماعی در برابر اقتصاد بازار؛ دورویکرد متفاوت به زندگی
۱۵.....	فراتر از اعداد و ارقام؛ اقتصاد و ارزش‌های انسانی
۱۶.....	نقش دولت در امنیت غذایی خانوار
۱۷.....	ذیل ماسک رفاه؛ گرسنگی و بی‌خانمانی در آمریکا
۱۹.....	پارادوکس ایرانی: ماشین کمتر، رانندگی بیشتر
۲۰.....	هزینه‌های پنهان رانندگی؛ مقایسه عوارض جاده‌ای در ایران و غرب
۲۱.....	اخوت عام؛ افتخار انقلاب اسلامی
۲۲.....	همدلی ایرانی در برابر فردگرایی غربی
۲۲.....	اخوت عام؛ راهکاری بومی برای مدیریت بحران
۲۴.....	اخلاق و اقتصاد؛ دوروی یک سکه در اندیشه اسلامی
۲۶.....	بحران سلامت روان در غرب؛ فرصتی برای بازنگری در سبک زندگی
۲۶.....	از فردیت‌گرایی تا ولایت‌مداری؛ درس‌هایی از عاشورا



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

باسمه تعالی

مقدمه

عنوان این بحث را می‌توان «کارکرد هویت امام امت در اقتصاد ایران پس از انقلاب اسلامی» یا به عبارتی دیگر، روایت اقتصاد ایران» نامید. ما بر این باوریم که خدایی که ما را در عرصه‌های مختلف، از جمله دفاع و فناوری، یاری کرده و پیشرفت‌های شگرفی برای ما به ارمغان آورده است، قطعاً در حوزه اقتصاد نیز ما را نصرت خواهد کرد. این نگاه، در تضاد با این ادعاست که اقتصاد ایران در وضعیتی کاملاً عقب‌مانده و غیرقابل قبول قرار دارد. در این نشست، تلاش کرده‌ایم روایتی کلان از اقتصاد ایران را از منظری متفاوت ارائه دهیم و نشان دهیم که انقلاب اسلامی چگونه در حوزه اقتصاد، دستاوردهای قابل توجهی داشته و مایه افتخار ماست. در این راستا، به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که چگونه می‌توانیم از دریچه اقتصاد، به انقلاب اسلامی بنگریم و به آن افتخار کنیم.

برای درک بهتر دستاوردها و کارکرد انقلاب اسلامی، نگاهی کلی و جامع به آن ضروری است. نگاهی که به جای جزئی‌نگری، به کلان‌روایت‌های انقلاب توجه کند. این کلان‌روایت‌ها، نقشه راهی هستند که جایگاه ما را در مسیر انقلاب مشخص می‌کنند و اهمیت مسائل مقطعی را در برابر اهداف بزرگ‌تر، کوچک‌تر نشان می‌دهند؛ مثلاً در حوزه فرهنگ، گاهی اوقات انتقادهایی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه انقلاب، جامعه را به جایی رسانده که حتی امر به معروف و نهی از منکر در حوزه حجاب با چالش مواجه است. این تحلیل‌ها، اگرچه ممکن است ناشی از دغدغه‌های دینی باشند، اما نگاهی جزئی‌نگر و ناقص به تحولات فرهنگی ارائه می‌دهند. برای ارزیابی صحیح این دست مسائل، باید به کلان‌روایت فرهنگی انقلاب رجوع کنیم. این کلان‌روایت، اهداف بلندمدت و آرمان‌های فرهنگی انقلاب را ترسیم می‌کند و به ما کمک می‌کند تا مسائل مختلف را در چارچوب این اهداف بزرگ‌تر تحلیل کنیم.

اگر بخواهیم به طور دقیق به موضوع حجاب و امر به معروف و نهی از منکر بپردازیم، باید از یک نگاه کلی‌تر به تحولات فرهنگی جامعه شروع کنیم. در واقع، نگاهی جزئی به یک مولفه خاص فرهنگی، مانند حجاب، نمی‌تواند تصویر کاملی از تحولات بزرگ‌تر و کلی‌تر ارائه دهد. وقتی از دریچه کلان‌روایت انقلاب اسلامی به این موضوع نگاه



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

می‌کنیم، متوجه می‌شویم که بزرگ‌ترین امر به معروف و نهی از منکر که در جامعه ما اتفاق افتاده، نهی از منکر تسلیم شدن در برابر سلطه جهانی و امر به معروف قیام برای برپایی نظام توحیدی بوده است.

با نگاهی به تحولات پس از انقلاب، به وضوح می‌بینیم که جریان اسلام‌خواهی و مقاومت در برابر ظلم جهانی به چه میزان گسترش یافته است. این، یک کلان‌روایت فرهنگی است که روایت‌های جزئی‌تر، مانند موضوع حجاب، در برابر آن جایگاه فرعی پیدا می‌کنند. البته این به معنای بی‌اهمیت بودن موضوع حجاب نیست. حجاب، به ویژه در شرایط کنونی، یکی از مهم‌ترین مسائل فرهنگی ماست. اما در مقایسه با کلان‌روایت انقلاب اسلامی، این موضوع اهمیت ثانویه پیدا می‌کند.

از نگاه جزئی تا کلان‌نگری در روایت انقلاب

برای درک بهتر تحولات فرهنگی و سیاسی پس از انقلاب اسلامی، باید از نگاه جزئی‌نگرانه فاصله گرفته و به کلان‌روایت انقلاب توجه کنیم. حجاب به عنوان یک مثال؛ اگر به موضوع حجاب نگاه کنیم، می‌بینیم که نهضت حجاب در ایران، فراتر از مرزهای کشور ما گسترش یافته و به یک الگوی جهانی تبدیل شده است. در حالی که ممکن است در داخل کشور شاهد برخی ناهنجاری‌ها در این حوزه باشیم، اما این مسائل جزئی نمی‌توانند عظمت و تأثیرگذاری این حرکت فرهنگی را زیر سؤال ببرند. در واقع، این ناهنجاری‌ها در مقابل کلان‌روایت گسترش فرهنگ حجاب در سطح جهانی، بسیار کوچک و ناچیز هستند.

در عرصه سیاست خارجی نیز همین رویکرد قابل مشاهده است. گاهی اوقات، با نگاهی جزئی‌نگر به برخی مسائل، مانند تغییر نام خلیج فارس، ممکن است به این نتیجه برسیم که استقلال و اقتدار کشورمان به خطر افتاده است. اما اگر به کلان‌روایت سیاست خارجی انقلاب نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که ایران امروز به یک قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است. ما در مسائل مهم منطقه‌ای، مانند سوریه، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنیم و در برابر فشارهای بین‌المللی، همچنان بر مواضع خود پافشاری می‌کنیم. در مجموع، برای ارزیابی صحیح تحولات پس از انقلاب، باید از نگاه جزئی‌نگرانه فاصله گرفته و به کلان‌روایت انقلاب توجه کنیم. این کلان‌روایت، به ما نشان می‌دهد



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

که انقلاب اسلامی ایران، نه تنها در داخل کشور، بلکه در سطح منطقه و جهان، تأثیرگذار بوده و به دستاوردهای بزرگی دست یافته است.

از جزئیات به کلان‌نگری در اقتصاد

وقتی رویدادی جزئی در جامعه رخ می‌دهد، طبیعی است که توجه‌ها به آن جلب شود. اما برای درک صحیح و جامع از تحولات، باید نگاهی فراتر از جزئیات داشته باشیم و به کلان‌روایت‌ها توجه کنیم؛ به عنوان مثال در حوزه فرهنگ، ممکن است اتفاقات جزئی و ناهنجاری‌هایی رخ دهد. اما اگر به کلان‌روایت فرهنگی جامعه نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که این اتفاقات جزئی، نمی‌توانند عظمت و تأثیرگذاری تحولات بزرگ‌تر را زیر سؤال ببرند. در حوزه اقتصاد نیز همین رویکرد صادق است. ما اغلب به اتفاقات مقطعی و عملکرد دولت‌ها توجه می‌کنیم و گاهی اوقات تصور می‌کنیم که اقتصاد کشورمان در رکود دائمی قرار دارد. اما اگر به کلان‌روایت اقتصادی کشور نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که دستاوردهای بزرگی کسب شده است.

برای یافتن این کلان‌روایت، باید از قضاوت‌های مقطعی و نگاه به عملکرد دولت‌های مختلف فراتر رویم. باید به دنبال دستاوردهای بزرگی باشیم که در طول سال‌ها و فارغ از نوسانات اقتصادی کوتاه‌مدت، به دست آمده‌اند. هدف اصلی در این بحث، یافتن یک روایت جامع و امیدبخش از وضعیت اقتصادی کشور است. روایتی که نشان دهد، با وجود همه چالش‌ها، اقتصاد ایران در مسیر رشد و توسعه قرار دارد.

روایت واقعیت؛ فراتر از سناریوپردازی

در گذشته، برای دفاع از کارآمدی نظام، از روایت‌هایی استفاده می‌کردم که اگرچه تا حدی موثر بودند، اما همیشه به آن‌ها اعتماد کامل نداشتیم. گاهی ارقام و آماری که ارائه می‌شد، برایم قابل تأمل بود و گاهی هم انتقاداتی به این روایت‌ها وارد می‌دانستیم. اما روایتی که امروز از اقتصاد ارائه می‌دهم، متفاوت است. این روایت بر اساس تجربه‌ای شخصی و درکی عمیق از واقعیت شکل گرفته است. من به این روایت ایمان دارم، زیرا آن را در عمق جان خود احساس کرده‌ام. برخی ممکن است این روایت را یک سناریوپردازی برای توجیه شرایط موجود بدانند. اما باید بین روایت و سناریو



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

تفاوت قائل شد. روایت، بر اساس واقعیت‌ها و شواهد مستند شکل می‌گیرد و هدف آن، تبیین حقیقت است؛ در حالی که سناریو، ممکن است با واقعیت فاصله داشته باشد و هدفی جز اغفال مخاطب نداشته باشد.

روایت اقتصادی که من ارائه می‌دهم، مبتنی بر واقعیت‌ها و شواهد است و هدف آن، کمک به مخاطب برای درک بهتر دستاوردهای اقتصادی کشور است. ما به دنبال ایجاد یک تصویر آرمانی نیستیم، بلکه می‌خواهیم واقعیت را آن‌گونه که هست، به مخاطب نشان دهیم. مقام معظم رهبری علیه‌السلام بر اهمیت جهاد تبیین تاکید فراوانی دارند. ایشان جهاد تبیین را به سه رویکرد تقسیم می‌کنند:

- رویکرد رفع شبهات
- رویکرد تعمیق با انتقال معارف
- رویکرد تهاجم

از واکنش به شبهات تا پیش‌گیری از شکل‌گیری شبهات

در جهاد تبیین، معمولاً بر روی پاسخ‌گویی به شبهات و رفع ابهامات تمرکز می‌کنیم. این رویکرد، اگرچه ضروری است، اما به تنهایی کافی نیست. اگر تنها به رفع شبهات بپردازیم، در واقع به دنبال مسائل طرح شده از سوی دشمن می‌دویم و به نوعی بازی‌ساز او می‌شویم. برای مقابله موثرتر با شبهات، باید رویکرد خود را تغییر دهیم. به جای اینکه صرفاً به سوالات پاسخ دهیم، باید به سمت پیش‌گیری از شکل‌گیری شبهات حرکت کنیم که این به معنای تقویت بنیان‌های فکری و اعتقادی جامعه است.

مقام معظم رهبری علیه‌السلام بر اهمیت «تعمیق با انتقال معارف» تاکید فراوانی دارند. این یعنی انتقال مفاهیم دینی و انقلابی به گونه‌ای که در ذهن مخاطب نهادینه شده و در برابر شبهات مقاوم شود. با استحکام اندیشه، افراد قادر خواهند بود قبل از اینکه شبهه‌ای در ذهنشان ایجاد شود، آن را تشخیص داده و رد کنند.

نرم‌افزار فکری رهبری علیه‌السلام؛ راهنمایی برای جهاد تبیین

یکی از بهترین ابزارها برای تقویت بنیان‌های فکری و مقابله با شبهات، مطالعه دقیق آثار و بیانات مقام معظم



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

رهبری علیه السلام است. ایشان با نگاهی ژرف به جریان‌های فکری جامعه، نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌ها را شناسایی کرده و راهکارهای مقابله با آنها را ارائه می‌دهند. با مطالعه آثار رهبری علیه السلام، می‌توانیم به درک عمیقی از مسائل مختلف دست یافته و در برابر شبهات مقاوم شویم.

مقام معظم رهبری علیه السلام در بحث جهاد تبیین، به رویکرد تهاجمی نیز اشاره می‌کند. در این رویکرد، به جای صرفاً پاسخ به شبهات، ابتکار عمل به دست گرفته و به تبیین و ترویج ارزش‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی در سطوح مختلف جامعه پرداخته می‌شود. در دیدار آستانه ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، مقام معظم رهبری علیه السلام به تبیین جایگاه زن در اسلام و غرب پرداختند. ایشان در این سخنرانی به طور صریح و قاطع، نگاه غرب به زن را به عنوان نگاهی ابزاری و تحقیرآمیز نقد کردند و در مقابل، جایگاه والای زن در اسلام و نقش او در تمدن‌سازی نوین اسلامی را تبیین فرمودند. این سخنرانی نمونه‌ای از رویکرد تهاجمی در جهاد تبیین است که به جای صرفاً پاسخ به شبهات، به ترویج و تثبیت ارزش‌های اسلامی در مورد زن می‌پردازد.

اقتصاد انقلاب

بگذارید از همین ابتدا تأکید کنیم که پرداختن به کارکردهای اقتصاد انقلاب در کلان‌روایت اقتصادی، به هیچ وجه به معنای نادیده گرفتن مشکلات موجود نیست. ما به طور کامل مشکلات اقتصادی را می‌پذیریم و حتی بر اهمیت واقعی‌سازی ابعاد این مشکلات تأکید داریم. اما هدف اصلی این روایت، صرفاً بیان مشکلات نیست؛ بلکه ارائه یک چشم‌انداز امیدوارانه و راهکارمحور است.

به عبارت دیگر، ما معتقدیم با اتکا به این روایت می‌توانیم ضمن پذیرش چالش‌ها، به دنبال راه حل‌هایی باشیم که از دل همین روایت برمی‌آید. بنابراین، نباید تصور شود که می‌خواهیم با این روایت، وضعیت اقتصادی را ایده‌آل جلوه دهیم. مشکلات وجود دارد و برخی از آن‌ها حتی جدی هستند. اما این روایت به ما نشان می‌دهد که اولاً، تمامی مشکلات قابل حل هستند و ما در بن‌بست قرار نداریم؛ و ثانیاً، این روایت، مسیر حل بسیاری از این مشکلات را روشن‌تر می‌کند.



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

از زیربنا تا روبنا؛ روایتی جامع از اقتصاد

برخی از دوستان به دنبال پاسخ سؤالاتی درباره مسائل روزمره اقتصادی مانند ارز، خودرو و گرانی کالاهای اساسی هستند. این پرسش‌ها بسیار مهم و مرتبط با زندگی روزمره ماست. اما اجازه دهید نکته‌ای را روشن کنیم: برای پاسخ به این سؤالات سطحی و روبنایی، ابتدا باید به سراغ ریشه‌ها و پایه‌های اقتصاد برویم. این یک رویکرد بنیادی و اندیشه‌محور است؛ به این معنا که با درک صحیح زیرساخت‌های اقتصادی، می‌توانیم به بسیاری از سؤالات سطحی نیز پاسخ دهیم. برای افرادی که وظیفه ترویج این مفاهیم را برعهده دارند، این چالش همواره وجود دارد که چگونه می‌توان مفاهیم پیچیده اقتصادی را به زبانی ساده و قابل فهم برای همه بیان کرد. این روایت تلاش می‌کند تا به این سؤالات پاسخ دهد و بسیاری از ابهامات را برطرف کند. اما ممکن است برخی از سؤالات نیاز به بررسی دقیق‌تر و تخصصی‌تری داشته باشند.

محدودیت‌های شاخص‌های اقتصادی متعارف در سنجش اقتصاد ایران

بگذارید صحبت‌مان را با این پرسش آغاز کنیم که آیا شاخص‌های اقتصادی متداول، مانند تولید ناخالص داخلی^۱، می‌توانند به طور دقیق وضعیت اقتصادی ایران را نشان دهند؟ پاسخ به این سوال، متأسفانه منفی است. دلایل مختلفی برای این ادعا وجود دارد. یکی از مهم‌ترین دلایل این است که تعریف ما از فعالیت‌های اقتصادی و آنچه که در محاسبه GDP لحاظ می‌شود، ممکن است با واقعیت‌های موجود در اقتصاد ایران همخوانی نداشته باشد. برای مثال، GDP به عنوان ارزش افزوده همه کالاها و خدمات تولید شده در یک دوره زمانی تعریف می‌شود. اما آیا همه این کالاها و خدمات به یک اندازه اهمیت دارند؟

صنعت تسلیحاتی آمریکا را در نظر بگیرید. این صنعت یکی از بزرگ‌ترین صنایع این کشور است و سهم قابل توجهی در GDP آمریکا دارد. اما آیا می‌توانیم بگوییم که این صنعت به اندازه صنعت کشاورزی یا خدمات اجتماعی،

(۱) «GDP» مخفف عبارت «Gross Domestic Product» به معنی «تولید ناخالص داخلی» و نشانگر کل ارزش پولی تمام کالاهای نهایی و خدمات تولید شده در یک کشور و در طی یک بازه زمانی (به طور کلی یک سال) است.



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

به رفاه مردم کمک می‌کند؟ در مورد ایران نیز همینطور. به دلیل شرایط خاص کشور، اطلاعات دقیقی درباره صنعت دفاعی در دسترس نیست؛ درحالی‌که می‌دانیم بخش قابل توجهی از منابع کشور صرف این صنعت می‌شود، این فعالیت‌ها در محاسبات رسمی GDP لحاظ نمی‌شوند.

مثال دیگری که می‌توان زد، صنعت پورنوگرافی است. این صنعت در آمریکا یکی از صنایع پررونق است و سهم قابل توجهی در GDP این کشور دارد. همچنین صنعت مشروبات الکلی نیز بخش قابل توجهی از اقتصاد بسیاری از کشورها را تشکیل می‌دهد. اما آیا می‌توان ارزش افزوده این صنایع را با ارزش افزوده صنایع تولیدی یا خدماتی که به طور مستقیم به رفاه مردم کمک می‌کنند، برابر دانست؟ بنابراین، استفاده از شاخص‌های اقتصادی متعارف مانند GDP برای ارزیابی وضعیت اقتصادی ایران، با محدودیت‌های جدی مواجه است. این شاخص‌ها قادر نیستند پیچیدگی‌ها و تفاوت‌های موجود در اقتصاد ایران را به طور کامل نشان دهند.

صنعتی پنهان با ارقام شگفت‌انگیز در اقتصاد آمریکا

صنعت پورنوگرافی، صنعتی پنهان با ارقامی شگفت‌انگیز است. طبق گزارش‌ها، این صنعت در سال ۲۰۲۱، رقمی معادل ۱۴/۶ میلیارد دلار به اقتصاد آمریکا تزریق کرده است. این رقم تقریباً برابر با درآمد حاصل از صنعت نفت ایران در سال ۱۴۰۰ است! جالب است که بدانید کشورهایی مانند اسپانیا، ژاپن و آلمان نیز به این صنعت توجه ویژه‌ای دارند. آلمان حتی این صنعت را قانونی شناخته است. اما چگونه به این ارقام دست پیدا کرده‌اند؟

طبق آمارهای رسمی آمریکا، به ازای هر شش نفر در این کشور، یک نفر در صنعت خدمات جنسی فعالیت می‌کند. با توجه به جمعیت تقریبی ۳۲۰ میلیونی آمریکا، این یعنی حدود ۵۰ میلیون نفر در این صنعت مشغول به کار هستند. این عدد بسیار بزرگی است و نشان می‌دهد که سهم این صنعت در اقتصاد آمریکا چقدر قابل توجه است. شبکه بی‌بی‌سی نیز در گزارشی به این موضوع پرداخته و اشاره کرده که سه وبسایت بزرگ آمریکایی سهم عمده‌ای از تولید محتوای پورنوگرافی در جهان را در اختیار دارند. این گزارش همچنین حاوی لینک‌هایی به منابع معتبر است که نشان می‌دهد این ارقام و اطلاعات چقدر قابل اعتماد هستند.



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

مقایسه‌ی اقتصادها؛ مقایسه سبب با پرتقال!

وقتی اقتصادهای مختلف را با هم مقایسه می‌کنیم، انگار داریم تلاش می‌کنیم سبب را با پرتقال وزن کنیم. تصور کنید یک کشور با صدها ورزشکار حرفه‌ای در المپیک شرکت می‌کند و کشوری دیگر با امکانات بسیار محدود. اگر بخواهیم مدال‌های این دو کشور را با هم مقایسه کنیم، آیا نتیجه‌ای عادلانه خواهد بود؟ قطعاً خیر. کشور اول به دلیل منابع و امکانات بیشتر، شانس کسب مدال بیشتری دارد.

مشکل اصلی در این مقایسه‌ها، تفاوت در تعریف شاخص‌هاست. مثلاً وقتی می‌گوییم کشوری در حوزه جرم، جرم‌خیز است، آیا واقعاً به معنای وجود جرم بیشتر در آن کشور است؟ یا شاید به این دلیل است که در آن کشور، بسیاری از رفتارها جرم محسوب می‌شوند که در کشورهای دیگر مجاز هستند. مثلاً مصرف برخی مواد در بسیاری از کشورها قانونی است، اما در ایران جرم محسوب می‌شود. پس تعداد جرایم ثبت شده در ایران بیشتر است، اما آیا به این معنی است که ایرانی‌ها قانون‌شکن‌ترند؟ برای مقایسه‌ی دقیق اقتصادها، باید ابتدا شاخص‌های مشترکی را تعریف کنیم که در همه کشورها قابل اندازه‌گیری و مقایسه باشند. در غیر این صورت، مقایسه‌ها بی‌معنی و گمراه‌کننده خواهد بود.

شفافیت یا ادراک؟ یک بازی با کلمات در شاخص‌های اقتصادی

وقتی صحبت از شاخص‌هایی مثل «شفافیت اقتصادی» می‌شود، شاید در نگاه اول همه چیز روشن به نظر برسد. اما اگر کمی دقیق‌تر شویم، متوجه تناقض‌ها و ابهاماتی خواهیم شد. سازمان شفافیت بین‌الملل، شاخص شفافیت اقتصادی را به عنوان معیاری برای سنجش فساد در بخش دولتی کشورهای مختلف معرفی کرده است. اما وقتی به جزئیات این شاخص نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که این شاخص در واقع بر اساس «ادراک» افراد از فساد ساخته شده است. یعنی به جای بررسی مستقیم و عینی فساد، از مردم پرسیده می‌شود که به نظر آن‌ها چقدر فساد در کشورشان وجود دارد.

بین «شفافیت» و «ادراک» تفاوت اساسی وجود دارد. شفافیت به معنای دسترسی آزادانه به اطلاعات و تصمیم‌گیری‌هاست، درحالی که ادراک می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی مثل رسانه‌ها، تبلیغات و حتی احساسات شخصی قرار بگیرد. نکته‌ی جالب‌تر اینجاست که سازندگان این شاخص، در مورد ایران یک هشدار ویژه داده‌اند. آن‌ها



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

گفته‌اند که به دلیل محدودیت‌های دسترسی به مردم داخل ایران، مجبور شده‌اند از نظرات ایرانیان خارج از کشور استفاده کنند. یعنی در واقع، رتبه‌ی ایران در این شاخص بیشتر بر اساس نظر کسانی تعیین شده است که شاید سال‌هاست در ایران زندگی نمی‌کنند و از شرایط فعلی کشور اطلاع دقیقی ندارند. بنابراین، وقتی می‌بینیم که ایران در این شاخص، رتبه‌ای نزدیک به ۱۸۰ را کسب کرده است، باید با احتیاط به آن نگاه کنیم. آیا واقعاً این رتبه، نشان‌دهنده‌ی میزان بالای فساد در ایران است؟ یا اینکه این رتبه، بیشتر بازتاب‌دهنده‌ی ادراک برخی افراد خارج از کشور است؟

وقتی از ایرانیان خارج از کشور در مورد ادراک‌شان از شفافیت اقتصادی در ایران پرسیده می‌شود، انگار داریم از کسی می‌پرسیم که سال‌هاست ایران را ترک کرده، از ترافیک تهران چه احساسی دارد. این پرسش، به نظر عجیب و دور از واقعیت می‌آید. در این بحث، می‌خواهم به نکته‌ی مهم‌تری اشاره کنم: بسیاری از شاخص‌های اقتصادی متداول، تصویر کاملاً دقیقی از وضعیت اقتصادی یک کشور ارائه نمی‌دهند. شاخص‌های تورم، محیط کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری و...، اگرچه اطلاعات مفیدی در اختیارمان می‌گذارند، اما نمی‌توانند کل داستان را روایت کنند؛ برای مثال، شاخص تورم، گرانی را نشان می‌دهد، اما نمی‌تواند بگوید که این گرانی چه تأثیری بر زندگی روزمره‌ی مردم دارد. آیا همه اقشار جامعه به یک اندازه تحت تأثیر گرانی قرار می‌گیرند؟ آیا همه کالاها و خدمات با نرخ یکسانی گران شده‌اند؟

به نظر می‌رسد برای درک بهتر وضعیت اقتصادی کشورمان، نیازمند یک نظام تحلیل جدید هستیم. نظامی که به جای تمرکز بر اعداد و ارقام خشک و بی‌روح، به مؤلفه‌های کیفی مانند رفاه، عدالت و کیفیت زندگی توجه کند. در این نظام جدید، می‌توانیم به جای تمرکز بر شاخص‌های سنتی، به مواردی مانند دسترسی به مسکن، امنیت غذایی، امکان سفر، کیفیت آموزش و بهداشت و عدالت در توزیع درآمد بپردازیم. این مؤلفه‌ها، بهتر می‌توانند نشان دهند که مردم تا چه اندازه از زندگی خود راضی هستند و اقتصاد کشور تا چه اندازه به نیازهای آنها پاسخ می‌دهد.

بحران مسکن؛ رویایی دست نیافتنی برای نسل جوان

مسکن، یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان و بخش بزرگی از سبد مصرفی خانوارهاست. اما در کشور ما، دسترسی به مسکن به یک چالش جدی تبدیل شده است. آخرین آمارها نشان می‌دهند که یک ایرانی به‌طور متوسط باید حدود



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

۱۰۵ سال کار کند تا بتواند صاحب خانه شود! این عدد نجومی نشان می‌دهد که بازار مسکن کشور در وضعیت بسیار نامتعرفی قرار دارد.

شاید این سوال برایتان پیش بیاید که با وجود این انتظار طولانی، چرا آمار مالکیت مسکن در ایران بالا است؟ طبق آخرین سرشماری، حدود ۶۹ درصد از خانوارهای ایرانی صاحب‌خانه هستند. اما نکته‌ی قابل توجه این است که حدود ۸ درصد از این خانوارها در مسکن‌های رایگان یا سازمانی سکونت دارند و تنها ۲۳ درصد از خانوارها مستأجر هستند. با این حال، حتی این ۲۳ درصد نیز با چالش‌های جدی روبرو هستند. تحقیقات نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از این مستأجران، خانه‌های خود را به صورت رهن کامل اجاره کرده‌اند. یعنی فردی که ممکن است صاحب یک خانه با ارزش چند میلیارد تومانی بوده، آن را فروخته و با پول آن، خانه‌ای بزرگ‌تر را به صورت رهن کامل اجاره کرده است. این آمارها نشان می‌دهند که بازار مسکن ایران با پیچیدگی‌های زیادی روبرو است. از یک سو، بسیاری از افراد با وجود درآمدهای پایین، مجبور به پرداخت اجاره‌های بسیار بالا هستند و از سوی دیگر، بسیاری از خانه‌ها به جای اینکه برای سکونت مورد استفاده قرار گیرند، به عنوان یک سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرند.

پارادوکس^۱ مسکن در ایران؛ مالک یا مستأجر؟!

شاید برایتان عجیب باشد که با وجود انتظار طولانی برای خرید خانه در ایران، آمار مالکیت مسکن در کشور ما بسیار بالا است. در حالی که در کشورهای اروپایی و آمریکا، نرخ اجاره‌نشینی به ترتیب حدود ۵۹/۳ درصد و ۶۲ درصد است، در ایران حدود ۶۹ درصد خانوارها صاحب‌خانه هستند. این تناقض آماری، سوالات زیادی را در ذهن ایجاد می‌کند.

چرا با وجود آمار بالای مالکیت، احساس می‌کنیم بسیاری از اطرافیانمان مستأجر هستند؟ این احساس، تا حد زیادی به دلیل تمرکز جمعیت در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ است. در این مناطق، به دلیل گرانی زمین و مسکن،

(۱) Paradox: متشکل از دو واژه یونانی (Para) به معنای «متناقض» و (Doxa) به معنای عقیده و رای است، به حرف، کلمه و یا عملی که با پندار همگانی تناقض داشته باشد، گزاره‌ای که در یک لحظه هم صحیح و هم ناصحیح است. در فلسفه بعد از ارسطو چنین حکمی باطل تلقی می‌شود اما در منطق ناسازگار گاهی از آن استفاده می‌شود.



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

خرید خانه برای بسیاری از افراد به یک رویا تبدیل شده است. اما اگر نگاهی به مناطق روستایی و شهرهای کوچک بیندازیم، خواهیم دید که نرخ مالکیت بسیار بالاتر است.

در واقع، ایران کشوری با تنوع بسیار زیاد است. در روستاها و شهرهای کوچک، زمین ارزان تر است و ساخت و ساز خانه های کوچک تر، هزینه های ساخت را کاهش می دهد. به همین دلیل، نرخ مالکیت در این مناطق بسیار بالا است. اما در کلان شهرها، به دلیل افزایش جمعیت، تقاضای مسکن بسیار بیشتر از عرضه است و همین امر باعث افزایش قیمت ها و کاهش توان خرید مردم شده است.

تفاوت در نرخ مالکیت بین مناطق مختلف کشور، یکی از دلایل اصلی این تناقض آماری است. بنابراین، وقتی به طور کلی از نرخ مالکیت در ایران صحبت می کنیم، باید به این نکته توجه داشته باشیم که این آمار، میانگینی از کل کشور است و ممکن است در مناطق مختلف، تفاوت های چشمگیری وجود داشته باشد.

وقتی از یک ایرانی می پرسیم چگونه صاحب خانه شده است، معمولاً مجموعه ای از پاسخ ها را می شنویم: کمک خانواده، فروش طلا، دریافت وام، فروش خودرو و... به نظر می رسد برای بسیاری از ایرانیان، خانه دار شدن به معنای جمع آوری منابع مختلف از منابع شخصی، خانوادگی و حتی فروش دارایی های موجود است.

اما این وضعیت در کشورهای غربی به چه صورت است؟ آیا در جوامع غربی نیز افراد برای خرید خانه به منابع مشابهی متکی هستند؟ در جوامع غربی، ساختار خانواده و روابط بین نسل ها با ایران متفاوت است. در بسیاری از کشورهای غربی، نرخ تولد خارج از چارچوب خانواده بسیار بالاتر است و در نتیجه، حمایت های مالی نسل های قبلی از نسل های جوان تر کمتر است. به عبارتی، در این جوامع، کمتر شاهد انتقال مستقیم ثروت از والدین به فرزندان هستیم.

علاوه بر این، در فرهنگ غربی، به فرزندان بالای ۱۸ سال به عنوان افراد مستقل نگاه می شود و انتظار می رود که خودشان هزینه های زندگی خود را تأمین کنند. این رویکرد، که به آن «هزینه سربار»^۱ گفته می شود، به این معنی است که والدین لزوماً موظف نیستند که تا آخر عمر از فرزندان خود حمایت مالی کنند؛ در واقع، در جوامع غربی، مسیر خانه دار شدن

1. Overhead cost



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

بیشتر بر پایه وام‌های مسکن، پس‌اندازهای شخصی و کمک‌های دولتی استوار است. تفاوت‌های موجود بین ایران و کشورهای غربی در زمینه خانه‌دار شدن، نشان‌دهنده تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این جوامع است. در بحث تامین مالی مسکن، یکی از مواردی که در ایران بسیار به چشم می‌خورد، استفاده از طلا است. این طلاها معمولاً هدیه پدر، همسر یا پس‌انداز شخصی فرد هستند. اما آیا این رویه در جوامع غربی نیز وجود دارد؟ در فرهنگ ایرانی، طلا همواره به عنوان یک سرمایه و ارزش افزوده در نظر گرفته شده است. هدیه دادن طلا به دختران در هنگام ازدواج، یک سنت دیرینه است و این طلاها اغلب در مواقع نیاز، مانند خرید مسکن، مورد استفاده قرار می‌گیرند. اما در جوامع غربی، نگرش به طلا و پس‌انداز متفاوت است. در این جوامع، سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی، خرید املاک و مستغلات و سایر دارایی‌ها، به عنوان روش‌های مطمئن‌تری برای حفظ و افزایش ارزش دارایی‌ها در نظر گرفته می‌شود. همچنین، متوسط طول عمر ازدواج‌ها در کشورهای غربی کمتر از ایران است. به عنوان مثال، متوسط طول عمر ازدواج در آمریکا حدود چهار سال است. این موضوع باعث می‌شود که افراد کمتر به فکر سرمایه‌گذاری بلندمدت و مشترک با همسر خود باشند.

قرض و پس‌انداز در غرب؛ نگاهی متفاوت به ارزش‌ها

آیا در جوامع غربی، جایی برای مفاهیمی مانند قرض گرفتن از دوستان یا آشنایان وجود دارد؟ آیا افراد در این جوامع به اندازه ما ایرانی‌ها به پس‌انداز اهمیت می‌دهند؟ برای پاسخ به این سوالات، باید نگاهی عمیق‌تر به ارزش‌ها و باورهای حاکم بر این جوامع بیندازیم.

در فرهنگ غربی، قرض گرفتن از دیگران، به ویژه در مبالغ بالا، معمولاً با نگاه منفی همراه است. این دیدگاه ریشه در ارزش‌هایی مانند استقلال، خودکفایی و مسئولیت‌پذیری دارد. در این جوامع، افراد ترجیح می‌دهند با برنامه‌ریزی دقیق مالی و استفاده از ابزارهای مالی مانند وام‌های بانکی، نیازهای مالی خود را تامین کنند.

اما چرا قرض گرفتن از دوستان و آشنایان در فرهنگ غربی کمتر رواج دارد؟ یکی از دلایل آن، وجود سیستم‌های حمایتی اجتماعی قوی است. این سیستم‌ها، از طریق بیمه‌های مختلف، مستمری‌های بازنشستگی و خدمات رفاهی،



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

تا حد زیادی نیازهای افراد را پوشش می‌دهند. همچنین، فرهنگ فردگرایی در جوامع غربی باعث شده که افراد بیشتر به توانایی‌های خود متکی باشند و کمتر به کمک دیگران امیدوار باشند.

در جوامع غربی، پس‌انداز نیز با اهداف متفاوتی انجام می‌شود. برخلاف ایران که بخش قابل توجهی از پس‌اندازها به خرید مسکن، طلا و سایر دارایی‌های فیزیکی اختصاص می‌یابد، در غرب، افراد بیشتر به سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی، خرید سهام و اوراق قرضه علاقه‌مند هستند. همچنین، پس‌انداز برای دوران بازنشستگی، یکی از مهم‌ترین اهداف پس‌انداز در جوامع غربی است.

بدهی و مصرف‌گرایی؛ چالش‌های اقتصاد غرب

در نگاه اول، به نظر می‌رسد که جوامع غربی با سیستم‌های مالی پیشرفته و دسترسی آسان به اعتبار، از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردار هستند. اما اگر دقیق‌تر به این موضوع نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که این تصویر، تنها یک روی سکه است.

در بسیاری از کشورهای غربی، استفاده از کارت‌های اعتباری^۱ برای خریدهای روزمره بسیار رایج است. این روش پرداخت، به افراد اجازه می‌دهد تا فراتر از درآمد فعلی خود هزینه کنند. در واقع، آنها در حال قرض گرفتن از آینده هستند. این رویکرد، به مرور زمان منجر به افزایش بدهی‌های خانوارها و کاهش توان پس‌انداز آنها شده است. آمریکا به عنوان یکی از بزرگترین اقتصادهای جهان، نمونه بارزی از این وضعیت است. آمارها نشان می‌دهند که سطح پس‌انداز خانوارهای آمریکایی به شدت کاهش یافته و حتی در برخی موارد به زیر صفر رسیده است. این بدان معناست که آمریکایی‌ها به جای پس‌انداز، درآمد خود را صرف کالاها و خدمات می‌کنند.

در نگاه اول، سیستم وام‌دهی در غرب با بهره‌های پایین جذاب به نظر می‌رسد. اما واقعیت این است که این سیستم، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و برای همه افراد قابل دسترسی نیست. در کشورهای غربی، وام‌ها معمولاً با بهره‌های پایین‌تر نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر ارائه می‌شوند. اما این بهره‌های پایین، همیشه به معنای یک فرصت طلایی

1) Debit Card



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

برای همه نیست. چند نکته مهم در این زمینه وجود دارد:

- وثیقه، شرط اصلی دریافت وام: برای دریافت وام در غرب، معمولاً نیاز به ارائه وثیقه است. این وثیقه می تواند ملک، خودرو یا هر دارایی با ارزش دیگری باشد. افرادی که دارایی قابل توجهی ندارند، امکان دسترسی به وام های با بهره کم را نخواهند داشت.
- اعتبارسنجی دقیق: علاوه بر وثیقه، اعتبارسنجی افراد نیز بسیار مهم است. افرادی که سابقه پرداخت بدهی های خود را ندارند یا بدهی های معوقه دارند، با مشکل دریافت وام مواجه خواهند شد.
- جریمه های سنگین دیرکرد: در صورت عدم پرداخت به موقع اقساط وام، جریمه های بسیار سنگینی در نظر گرفته می شود. در برخی موارد، این جریمه ها به اندازه ای هستند که می توانند منجر به از دست رفتن وثیقه و حتی خانه فرد شوند.

اقتصاد اجتماعی در برابر اقتصاد بازار؛ دو رویکرد متفاوت به زندگی

هنگامی که به زندگی اقتصادی افراد در جوامع مختلف نگاه می کنیم، تفاوت های قابل توجهی را مشاهده می کنیم. به عنوان مثال، مقایسه وضعیت اقتصادی یک فرد ایرانی با یک فرد غربی، می تواند به ما در درک بهتر این تفاوت ها کمک کند. در ایران، افراد معمولاً در شبکه ای از روابط اجتماعی قوی قرار دارند. خانواده، خویشاوندان، دوستان و جامعه محلی، همگی به عنوان لایه های حمایتی عمل می کنند. این شبکه ها در مواقع نیاز، به افراد کمک های مالی، اجتماعی و عاطفی ارائه می دهند. به عبارت دیگر، در جامعه ایرانی، افراد بر اساس روابط انسانی و اجتماعی به یکدیگر کمک می کنند.

در مقابل، در جوامع غربی، فردگرایی و اقتصاد بازار نقش محوری دارند. در این جوامع، افراد به عنوان واحدهای اقتصادی مستقل در نظر گرفته می شوند و برای تامین نیازهای خود به بازار و نهادهای مالی متکی هستند. بیمه ها، بانک ها و بورس، مهم ترین نهادهایی هستند که به افراد در مدیریت امور مالی شان کمک می کنند. به این دو رویکرد متفاوت به اقتصاد، می توان نگاه های متفاوتی داشت:



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

- **اقتصاد بازار:** به سیستمی گفته می‌شود که در آن، تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات، بر اساس عرضه و تقاضا و با حداقل دخالت دولت انجام می‌شود. در این سیستم، فردگرایی و رقابت، نقش محوری دارند.
- **اقتصاد اجتماعی:** به سیستمی گفته می‌شود که در آن، روابط اجتماعی و همکاری بین افراد، نقش مهمی در فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌کند. در این سیستم، دولت معمولاً نقش فعال‌تری در تنظیم بازار و حمایت از افراد ضعیف‌تر دارد.
- برخی از افراد، اقتصاد ایران را «اقتصاد ولایتی» می‌نامند. این اصطلاح به این معناست که در اقتصاد ایران، تصمیم‌گیری‌ها تحت تأثیر عوامل سیاسی و ایدئولوژیکی قرار دارد و روابط اجتماعی و خانوادگی، نقش مهمی در فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌کنند.
- سطح رفاه ما، با وجود اینکه در برخی شاخص‌ها به نصف میانگین جهانی رسیده، نمی‌تواند به طور کامل با منطق اقتصاد بازار سنجیده شود. بخش بزرگی از این رفاه، حاصل از روابط اجتماعی، حمایت‌های خانوادگی و ارزش‌های فرهنگی ماست که در قالب یک «اقتصاد نابازار» یا به تعبیری «اقتصاد ولایتی» شکل گرفته است. این نوع اقتصاد، به دلیل ماهیت پیچیده و غیررسمی خود، کمتر قابل اندازه‌گیری و مدل‌سازی است.

فراتر از اعداد و ارقام؛ اقتصاد و ارزش‌های انسانی

ما اغلب اقتصاد را به مجموعه‌ای از اعداد و ارقام تقلیل می‌دهیم و سعی می‌کنیم همه چیز را در قالب مدل‌های ریاضی بگنجانیم. اما آیا این رویکرد می‌تواند تمام ابعاد زندگی اقتصادی ما را پوشش دهد؟ به نظر می‌رسد که خیر؛ برای مثال در دوران جنگ تحمیلی، امید به زندگی در کشورمان به شدت کاهش یافت. این کاهش به دلیل شهادت بسیاری از جوانان کشور بود. آیا می‌توانیم این واقعیت را صرفاً با اعداد و ارقام توضیح دهیم؟ آیا می‌توانیم ارزش‌های انسانی را در مدل‌های اقتصادی بگنجانیم؟ قطعاً خیر. زیرا «بسیاری از ارزش‌های انسانی مانند ایثار، شجاعت و عشق به وطن، فراتر از محاسبات اقتصادی هستند».

در واقع، ما در ایران نوعی اقتصاد داریم که بر پایه روابط اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی و دینی استوار شده است.



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

این اقتصاد را می‌توان «اقتصاد ولایی» نامید. در این نوع اقتصاد، مفاهیمی مانند همبستگی، عدالت و کمک به دیگران بسیار مهم هستند. البته، این نوع اقتصاد به دلیل ماهیت پیچیده و غیررسمی خود، کمتر قابل اندازه‌گیری و مدل‌سازی است. اما این بدان معنا نیست که وضعیت اقتصادی ما خوب نیست. برعکس، ما در بسیاری از شاخص‌های رفاه، وضعیت مطلوبی داریم. اما این رفاه تنها با نگاه به قدرت خرید و اعداد و ارقام قابل سنجش نیست. باید به ابعاد دیگری مانند کیفیت زندگی، روابط اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی نیز توجه کنیم.

بحث امنیت غذایی در کشورمان موضوع بسیار مهمی است. اعداد و ارقام نشان می‌دهند که متوسط درآمد خانوارهای ایرانی به اندازه کافی برای تامین نیازهای غذایی نیست. اما واقعیت زندگی روزمره ما چیزی دیگری را نشان می‌دهد. اگر بخواهیم هزینه یک وعده صبحانه، ناهار و شام ساده را در خانه محاسبه کنیم، به عدد بسیار بالایی می‌رسیم. این در حالی است که متوسط درآمد خانوارها به مراتب کمتر از این مقدار است. پس چگونه است که بسیاری از ما می‌توانیم سه وعده غذایی در روز داشته باشیم؟ پاسخ این سوال در نقش پررنگ زنان خانه‌دار نهفته است. زنان ایرانی با فداکاری و تلاش شبانه‌روزی، مسئولیت تامین، تهیه و پخت غذا برای خانواده را بر عهده دارند. این کار، که ارزش اقتصادی بسیار بالایی دارد، در محاسبات رسمی اقتصاد کشور دیده نمی‌شود.

نقش دولت در امنیت غذایی خانوار

وقتی از امنیت غذایی صحبت می‌کنیم، معمولاً به تولید مواد غذایی، توزیع و قیمت آن توجه می‌کنیم. اما آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که چه عواملی باعث می‌شود یک زن خانه‌دار بتواند با هزینه نسبتاً کمی، غذای گرم و سالمی را برای خانواده‌اش تهیه کند؟ یکی از مهم‌ترین عوامل، حمایت‌های دولت است. دولت با فراهم کردن زیرساخت‌های لازم و انرژی ارزان قیمت، به طور غیرمستقیم هزینه‌های تولید و تهیه غذا را کاهش می‌دهد. برای مثال، گاز مصرفی در منازل بسیار ارزان‌تر از صنایع است. این بدان معناست که دولت با ارائه انرژی ارزان، به خانوارها کمک می‌کند تا هزینه‌های زندگی خود را کاهش دهند.

اما چرا دولت چنین کاری انجام می‌دهد؟ پاسخ ساده است: برای تقویت بنیان خانواده و جامعه. یک خانواده‌ای که



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

بتواند به راحتی به غذای سالم و کافی دسترسی داشته باشد، پایدارتر خواهد بود. این موضوع به نوبه خود، به تقویت جامعه و افزایش رفاه عمومی کمک می‌کند. در مقابل، در بسیاری از کشورهای غربی، هزینه انرژی بسیار بالا است. دولت‌های این کشورها با اعمال مالیات‌های سنگین بر انرژی، درآمدهای هنگفتی کسب می‌کنند. این در حالی است که آن‌ها مواد اولیه انرژی را با قیمت بسیار پایین‌تری از کشورهای نفت‌خیز خریداری می‌کنند.

مصرف‌گرایی یا سبک زندگی؟ نگاهی به الگوهای مصرف در غرب و ایران

در غرب، به طور متوسط، مدت زمان پایداری یک خانواده بسیار کمتر از بسیاری از جوامع دیگر است. این موضوع به این معنی است که زنان تمایل کمتری به انجام کارهای خانه مانند آشپزی و نظافت دارند. آمارها نشان می‌دهند که در بسیاری از خانه‌های آمریکایی، تنها یک وعده غذایی در روز در خانه طبخ می‌شود. دلیل این امر چیست؟ آیا واقعاً زنان غربی تنبل‌تر از زنان ایرانی هستند؟ قطعاً نه.

مسئله اصلی، الگوی مصرف‌گرایی است که در جوامع غربی حاکم است. صنایع غذایی و لوازم خانگی با تولید انبوه محصولات متنوع و تبلیغات گسترده، سعی می‌کنند تا مردم را به خرید محصولات جدید و بی‌ضرورت ترغیب کنند. به عنوان مثال، دستگاه‌های سرخ‌کن میوه، ماست‌ساز و بسیاری از وسایل آشپزخانه دیگر، نمونه‌هایی از این نوع محصولات هستند. این در حالی است که بسیاری از این محصولات، نه تنها ضروری نیستند، بلکه باعث افزایش هزینه‌های زندگی و تولید زباله نیز می‌شوند.

اما چرا در ایران، با وجود درآمد کمتر، مردم تمایل بیشتری به پخت و پز در خانه و استفاده از وسایل ساده‌تر دارند؟ یکی از دلایل مهم آن، ارزش‌هایی مانند خانواده‌دوستی و همبستگی اجتماعی است که در فرهنگ ایرانی ریشه دارد. زنان ایرانی، به طور سنتی، نقش مهمی در حفظ خانواده و تامین غذای اعضای آن ایفا می‌کنند.

ذیل ماسک رفاه؛ گرسنگی و بی‌خانمانی در آمریکا

وقتی صحبت از آمریکا می‌شود، معمولاً تصاویری از یک جامعه مدرن، پیشرفته و پر از فرصت به ذهنمان خطور می‌کند. اما واقعیت‌های تلخی در پس این تصویر زیبا پنهان شده است. براساس آمارهای رسمی وزارت کشاورزی



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

آمریکا، بیش از ۳۳ میلیون نفر در این کشور با مشکل امنیت غذایی مواجه هستند. این یعنی میلیون‌ها نفر، از جمله کودکان، نمی‌توانند به طور منظم به غذای کافی و سالم دسترسی داشته باشند. این آمار تکان‌دهنده، نشان‌دهنده شکاف عمیق بین ثروت و فقر در جامعه آمریکا است.

اما چرا در کشوری که به عنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان شناخته می‌شود، چنین تعداد زیادی از مردم با گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کنند؟ پاسخ این سوال را می‌توان در منطق اقتصاد بازار و اولویت‌بندی سود بر انسانیت جستجو کرد. صنایع غذایی در آمریکا برای حفظ سود خود، مقدار زیادی از محصولات کشاورزی را دور می‌ریزند. این کار باعث افزایش قیمت‌ها و در نتیجه، کاهش دسترسی مردم به مواد غذایی می‌شود. از سوی دیگر، دولت آمریکا به جای حمایت از مردم نیازمند، بیشتر به دنبال حفظ منافع شرکت‌های بزرگ است.

تصاویر و ویدئوهایی که از صف‌های طولانی افراد نیازمند در آمریکا منتشر می‌شود، گواه این واقعیت تلخ است. مردم در این کشور، حتی در ایالت‌های ثروتمند مانند کالیفرنیا، برای تهیه یک وعده غذا مجبورند ساعت‌ها در صف بایستند. این وضعیت نشان می‌دهد که سیستم اقتصادی حاکم بر آمریکا، با وجود تمام پیشرفت‌های تکنولوژیکی و رفاهی، نتوانسته است نیازهای اساسی همه مردم را تامین کند. بی‌خانمانی گسترده، فقر و نابرابری، از جمله مشکلات جدی هستند که این کشور با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کند.

در گفت‌وگویی که داشتم، خانمی از وضعیت کودکان کار گل‌فروش بسیار ناراحت بود و از من پرسید که چرا باید چنین صحنه‌هایی را تحمل کنیم. من همدل بودم و ناراحتی او را درک می‌کردم، اما وقتی صحبت به مقایسه با غرب کشیده شد، مجبور شدم واکنش نشان دهم. ایشان معتقد بودند که در غرب چنین مشکلاتی وجود ندارد و ما باید از آن‌ها الگو بگیریم. اما واقعیت این است که فقر و بی‌خانمانی در بسیاری از کشورهای غربی، از جمله آمریکا، به عنوان یک معضل اجتماعی جدی شناخته می‌شود. آمارها نشان می‌دهند که درصد قابل توجهی از جمعیت این کشورها، به ویژه در شهرهای بزرگ، بی‌خانمان هستند.

باید توجه داشت که مقایسه ساده‌انگارانه‌ای که بین وضعیت ما و غرب می‌شود، می‌تواند گمراه‌کننده باشد. ما در



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

جامعه خود به همدیگر کمک می‌کنیم و در مواقع سختی، به یاری هم می‌شتابیم. این روحیه همدلی و نوع دوستی در فرهنگ ما ریشه دارد و باعث می‌شود تا کمتر شاهد چنین پدیده‌هایی به صورت گسترده باشیم.

البته این به معنای آن نیست که در کشور ما هیچ مشکلی وجود ندارد. فقر و نابرابری، به ویژه در برخی مناطق، می‌تواند منجر به بروز مشکلاتی شود. اما باید توجه داشت که این مشکلات ریشه در عوامل مختلفی از جمله مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد و نمی‌توان آن‌ها را به سادگی به غرب نسبت داد. در واقع، مقایسه ساده‌انگارانه با غرب، می‌تواند منجر به نادیده گرفتن تلاش‌ها و پیشرفت‌هایی شود که در کشور خودمان انجام شده است. همچنین، می‌تواند باعث شود تا از مشکلات واقعی خود غافل شویم و به دنبال الگوهای نادرست باشیم.

پارادوکس ایرانی: ماشین کمتر، رانندگی بیشتر

اگر به آمار مالکیت خودرو در ایران و کشورهای غربی نگاه کنیم، با یک تناقض جالب روبرو می‌شویم. در حالی که در کشورهای غربی به طور متوسط هر نفر به ماشین شخصی دسترسی بیشتری دارد، در ایران میزان مالکیت خودرو کمتر است. با این حال، آمار نشان می‌دهد که ایرانیان به طور متوسط مسافت بیشتری را با خودرو طی می‌کنند. این تناقض چگونه قابل توضیح است؟ یکی از دلایل این تناقض، تفاوت در سیستم حمل و نقل عمومی و زیرساخت‌های شهری است. در بسیاری از کشورهای غربی، سیستم حمل و نقل عمومی کارآمد و گسترده‌ای وجود دارد که دسترسی به آن برای عموم آسان است. این امر باعث می‌شود که مردم برای مسافت‌های کوتاه از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنند و تنها برای مسافت‌های طولانی‌تر به خودرو شخصی خود روی بیاورند. در مقابل، در ایران، سیستم حمل و نقل عمومی در بسیاری از شهرها به اندازه کافی توسعه نیافته است و همین امر باعث می‌شود که مردم مجبور شوند برای انجام کارهای روزمره خود از خودرو شخصی استفاده کنند.

علاوه بر این، هزینه‌های نگهداری خودرو در ایران نسبت به بسیاری از کشورهای غربی کمتر است. قیمت بنزین در ایران بسیار پایین‌تر از کشورهای دیگر است و هزینه بیمه و تعمیرات خودرو نیز به نسبت پایین‌تر است. این موضوع باعث می‌شود که داشتن و استفاده از خودرو در ایران مقرون به صرفه‌تر باشد. از طرف دیگر، در کشورهای غربی،



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

هزینه‌های نگهداری خودرو بسیار بالاست. قیمت بنزین بسیار گران است و هزینه بیمه و تعمیرات نیز سهم قابل توجهی از درآمد افراد را به خود اختصاص می‌دهد. علاوه بر این، قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای تعمیر خودرو وجود دارد و افراد مجبور هستند برای هر تعمیری به تعمیرگاه مراجعه کنند.

هزینه‌های پنهان رانندگی؛ مقایسه عوارض جاده‌ای در ایران و غرب

یکی از تفاوت‌های قابل توجه در هزینه‌های رانندگی بین ایران و کشورهای غربی، موضوع عوارض جاده‌ای است. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، عوارض جاده‌ای به عنوان یک منبع درآمد مهم برای دولت‌ها محسوب می‌شود و هزینه‌های ساخت و نگهداری جاده‌ها را تامین می‌کند. در ایران، عوارض جاده‌ای به اندازه کشورهای غربی رایج نیست و معمولاً به صورت محدود در برخی از بزرگراه‌ها و تونل‌ها دریافت می‌شود. اما در غرب، تقریباً برای استفاده از هر بزرگراهی، پل یا تونلی، باید عوارضی پرداخت شود. حتی در برخی کشورها، مانند کانادا، سیستم‌های پیشرفته‌ای برای محاسبه عوارض بر اساس مسافت پیموده شده وجود دارد. به این صورت که خودروها مجهز به دستگاه‌های جی‌پی‌اس هستند و با هر کیلومتری که طی می‌کنند، مبلغی به عنوان عوارض از حساب آن‌ها کسر می‌شود. تصور کنید اگر چنین سیستمی در ایران اجرا می‌شد و برای هر صد کیلومتر رانندگی، مبلغی قابل توجهی به عنوان عوارض پرداخت می‌کردیم، چه اتفاقی می‌افتاد. هزینه‌های سفرهای طولانی به شدت افزایش می‌یافت و بسیاری از مردم از انجام سفرهای غیرضروری منصرف می‌شدند.

وقتی صحبت از سفر می‌شود، مقصد و نحوه سفر دو عنصر مهم هستند. در بسیاری از جوامع، سفر به معنای دیدار از دوستان و آشنایان، اقامت در خانه‌های روستایی یا اقامتگاه‌های ارزان‌قیمت است. این نوع سفرها، علاوه بر صرفه‌جویی در هزینه، فرصتی برای تعاملات اجتماعی و تقویت روابط خانوادگی فراهم می‌کند. اما در جوامع مدرن و صنعتی، الگوی سفر به کلی تغییر کرده است. امروزه، بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند برای سفرهای خود از هتل‌های لوکس استفاده کنند و هزینه‌های بالایی را برای اقامت و تفریح پرداخت کنند. این رویکرد به دلایل مختلفی از جمله کاهش تعاملات اجتماعی، افزایش درآمدها و تغییر سبک زندگی صورت می‌گیرد.



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

یکی از تفاوت‌های عمده در شیوه سفر بین جوامع مختلف، به فرهنگ مهمان‌نوازی و تعاملات اجتماعی برمی‌گردد. در بسیاری از جوامع سنتی، مهمان‌نوازی یک ارزش مهم است و افراد از میزبانی مهمانان خود لذت می‌برند. این در حالی است که در جوامع مدرن، فردگرایی و استقلال بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و افراد ترجیح می‌دهند در فضاهای خصوصی و جداگانه اقامت کنند. صنعت گردشگری نیز مانند سایر صنایع، تحت تأثیر قوانین اقتصاد بازار قرار دارد. هتل‌ها و اقامتگاه‌های لوکس با ارائه خدمات متنوع و امکانات رفاهی، سعی می‌کنند تا مشتریان بیشتری را جذب کنند. این امر باعث افزایش هزینه‌های سفر شده و دسترسی به امکانات گردشگری را برای بسیاری از افراد محدود کرده است.

اخوت عام؛ افتخار انقلاب اسلامی

یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی، تقویت روحیه همدلی و همکاری در جامعه بوده است. این روحیه که به آن «اخوت عام» می‌گویند، در شرایط بحرانی مانند همه‌گیری کرونا به خوبی نمایان شد. در حالی که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، همه‌گیری کرونا منجر به افزایش تنش‌های اجتماعی، دزدی و اختکار کالاهای ضروری شد، در ایران شاهد صحنه‌های زیبایی از همدلی و کمک‌رسانی بودیم. مردم با کمک به یکدیگر، نیازهای همدیگر را برطرف کرده و نشان دادند که در شرایط سخت، به همدیگر تکیه می‌کنند.

در مقابل، در کشورهای غربی، سیستم سرمایه‌داری و فردگرایی باعث شد تا افراد بیشتر به فکر منافع شخصی خود باشند و کمتر به فکر همدیگر باشند. فیلم‌های زیادی از کشورهای غربی منتشر شد که نشان می‌داد چگونه مردم در صف‌های طولانی برای خرید مواد غذایی با هم درگیر می‌شوند و حتی به یکدیگر آسیب می‌رسانند. همچنین، بسیاری از افراد به دلیل نداشتن بیمه کافی، قادر به دریافت خدمات درمانی مناسب نبودند و جان خود را از دست دادند. داستان پیرزنی که در بیمارستان به دلیل نداشتن پول برای خرید آمپول، جان خود را از دست می‌دهد، نمونه‌ای بارز از وضعیت اسفبار برخی از جوامع غربی است. در چنین شرایطی، ارزش‌های انسانی و همدلی به فراموشی سپرده شده و انسان‌ها به کالاهایی تبدیل می‌شوند که تنها با پول قابل خریداری هستند. در ایران، ما شاهد چنین صحنه‌های دلخراشی نبودیم. مردم با کمک به یکدیگر، توانستند از پس مشکلات ناشی از همه‌گیری کرونا برآیند. تولید ماسک در خانه‌ها، تشکیل



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

گروه‌های کمک‌رسانی و توزیع بسته‌های معیشتی، نمونه‌هایی از این همدلی و نوع‌دوستی هستند.

همدلی ایرانی در برابر فردگرایی غربی

در بحران‌هایی مانند همه‌گیری کرونا، تفاوت بین جوامع مختلف به وضوح دیده می‌شود. در حالی که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، شاهد بروز بحران‌های انسانی گسترده‌ای بودیم، در ایران، مردم با همدلی و همکاری یکدیگر بر مشکلات غلبه کردند. در ایران، در زمان شیوع کرونا، بسیاری از مردم به صورت خودجوش به کمک نیازمندان شتافتند. گروه‌های مختلف جهادی و خیریه با تولید و توزیع ماسک، مواد ضدعفونی‌کننده و بسته‌های معیشتی، نقش مهمی در کنترل بیماری ایفا کردند. حتی برخی افراد به صورت خودجوش اقدام به تولید آبیوم‌های طبیعی کردند تا سیستم ایمنی بدن هم‌وطنانشان را تقویت کنند. این نشان از روحیه همدلی و نوع‌دوستی مردم ایران دارد. در مقابل، در بسیاری از کشورهای غربی، به ویژه در آمریکا، شاهد بی‌توجهی دولت‌ها و مردم به نیازمندان بودیم. به عنوان مثال، در یکی از ایالت‌های آمریکا، تعداد زیادی از مردم در اثر کولاک شدید جان خود را از دست دادند، اما دولت و نهادهای امدادی نتوانستند به موقع به کمک آن‌ها بشتابند. این رویداد نشان می‌دهد که در سیستم سرمایه‌داری، سود و منفعت فردی بر ارزش‌های انسانی مقدم شمرده می‌شود.

یکی از دلایل اصلی مرگومیر بالای افراد مبتلا به بیماری‌های زمینه‌ای در کشورهای غربی، نگاه اقتصادی به مسائل بهداشتی است. در این کشورها، هزینه‌های درمان بسیار بالا است و افرادی که بیماری‌های زمینه‌ای دارند، اغلب توانایی پرداخت این هزینه‌ها را ندارند. از طرفی، شرکت‌های بیمه‌ای نیز تمایلی به پرداخت هزینه‌های درمان افراد دارای بیماری‌های زمینه‌ای ندارند، زیرا این افراد را به عنوان یک ریسک مالی می‌بینند.

اخوت عام؛ راهکاری بومی برای مدیریت بحران

وقوع حوادث طبیعی مانند زلزله و سیل، همیشه چالش‌های بزرگی را برای جوامع ایجاد می‌کند. اما واکنش‌های مختلف مردم در مواجهه با این بحران‌ها، نشان‌دهنده تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع است. در ایران، در زمان وقوع حوادث طبیعی مانند زلزله کرمانشاه و سیل خوزستان، شاهد صحنه‌های زیبایی از همدلی و همبستگی مردم بودیم. مردم



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

از سراسر کشور به کمک آسیب دیدگان شتافتند و با اهدای کمک‌های نقدی و غیرنقدی، به بازسازی مناطق آسیب دیده کمک کردند. این اقدامات خودجوش نشان می‌دهد که روحیه ایثار و فداکاری در بین مردم ایران همچنان زنده است.

وقتی بحران‌ها رخ می‌دهند، چهره واقعی جوامع آشکار می‌شود. در این مواقع، همدلی و کمک‌های مردمی به عنوان مهم‌ترین عوامل برای عبور از بحران مطرح می‌شوند. زلزله اخیر ترکیه نشان داد که در مواقع بحرانی، همدلی جهانی می‌تواند چه تأثیر شگرفی داشته باشد. کمک‌های مالی و امدادی از سراسر جهان به سمت ترکیه سرازیر شد. اما این کمک‌ها، تنها جنبه مادی بحران را پوشش می‌دهد.

در ایران، گروه‌های جهادی سال‌هاست که در زمینه‌های مختلفی همچون ساخت مسکن، احداث مدرسه، حفر چاه و احداث راه‌های روستایی فعالیت می‌کنند. این گروه‌ها با همدلی و تلاش شبانه‌روزی، به مناطق محروم خدمت می‌کنند و به بهبود کیفیت زندگی مردم کمک می‌کنند. برای مثال، در برخی مناطق، گروه‌های جهادی توانسته‌اند در مدت زمان کوتاهی خانه‌های مقاوم در برابر زلزله بسازند و امکانات رفاهی لازم را برای مردم فراهم کنند.

اگر فعالیت‌های گروه‌های جهادی در ایران را با رویکرد برخی کشورها در مواجهه با بحران‌ها مقایسه کنیم، تفاوت‌ها به وضوح دیده می‌شود. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، به دلیل تمرکز بر اقتصاد بازار، کمک‌های مردمی و فعالیت‌های داوطلبانه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در حالی که در ایران، فرهنگ کمک به هم‌نوع و ایثارگری در بین مردم نهادینه شده است.

شاید باور تان نشود، اما در بسیاری از روستاهای کشورمان، وضعیت بهداشت دهان و دندان از شهرهای بزرگ بهتر است. این اتفاق شگفت‌انگیز، نتیجه تلاش‌های بی‌وقفه گروه‌های جهادی پزشکی است. گروه‌های جهادی پزشکی با حضور در روستاها و ارائه خدمات رایگان دندانپزشکی، به بهبود وضعیت بهداشت دهان و دندان روستائیان کمک شایانی کرده‌اند. این در حالی است که در شهرها، برای درمان دندانپزشکی باید هزینه‌های زیادی پرداخت کرد و بسیاری از افراد به دلیل مشکلات مالی، از مراجعه به دندانپزشک منصرف می‌شوند.

در عرصه تولید و ایجاد اشتغال، گروه‌های جهادی به عنوان الگوهای موفق در سطح کشور شناخته می‌شوند. به عنوان مثال، در استان سیستان و بلوچستان، این گروه‌ها با تلاش‌های مستمر خود توانسته‌اند فرصت‌های شغلی متنوعی



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

را در مناطق محروم ایجاد کنند. آقای عبدالمالکی، مسئول صندوق سرمایه‌گذاری کمیته امداد در این خصوص بیان کرده است که میزان اشتغال‌زایی این کمیته، در مقطعی از زمان، از اشتغال‌زایی دولت نیز پیشی گرفته است. این دستاورد قابل توجه نشان‌دهنده اثربخشی فعالیت‌های گروه‌های جهادی و رویکرد عدالت‌محور انقلاب اسلامی است.

این روزها شاهد حضور اساتید و کارشناسانی هستیم که با استدلال‌های قوی، بر خلاف نظریات غلط اقتصادی غرب، ثابت می‌کنند افزایش دستمزد کارگران لزوماً به تورم منجر نمی‌شود. این افراد با ارجاع به تجربه‌های عملی نشان می‌دهند که افزایش دستمزد نه تنها تورم‌زا نیست، بلکه می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کارگران و خانواده‌هایشان کمک کند. این نوع نگاه و عمل، یک جهاد واقعی و عدالت‌محور است. گروه‌های جهادی و مجموعه‌های مردمی با شناسایی و پیگیری مطالبات کارگران و مناطق محروم، نشان داده‌اند که می‌توان در برابر ظلم و بی‌عدالتی ایستاد.

آن‌ها با مطالعه دقیق بودجه‌های کشور، سهم گمشده مناطق محروم را شناسایی کرده و برای احقاق حقوق این مناطق تلاش می‌کنند. این گروه‌ها با ایجاد ارتباطات موثر با مسئولین در سطح ملی، سعی دارند تا منابع مالی مورد نیاز را برای توسعه و آبادانی مناطق محروم جذب کنند. ماجراهایی مانند هفت‌تپه، هپکو و ماشین‌سازی تبریز، نمونه‌هایی از ظلم‌های ساختاری هستند که به حقوق کارگران و صنعت آسیب زده‌اند. خوشبختانه، با حضور این گروه‌های جهادی، شاهد دفاع از حقوق کارگران و تلاش برای احیای واحدهای تولیدی هستیم.

اخلاق و اقتصاد؛ دو روی یک سکه در اندیشه اسلامی

چرا باید انتظار داشته باشیم انسان غربی که درگیر پیچیدگی‌های زندگی مدرن و فردگرایی است، به مسائل اجتماعی و اقتصادی در سطح جهانی توجه کند؟ او غرق در روزمرگی‌های خودش است و شاید نتواند اهمیت اقداماتی مانند جمع‌آوری مازاد محصولات کشاورزی و توزیع آن بین نیازمندان را درک کند. اما این بدان معنا نیست که ما هم باید بی‌تفاوت باشیم. ما مسلمانان با الهام از آموزه‌های دینی خود، به ویژه روایات اهل بیت، به اهمیت عدالت اجتماعی و اقتصادی باور داریم.

روایتی از امام باقر (علیه السلام) وجود دارد که در آن حضرت به کیفیت ارتباطات مالی بین افراد جامعه تاکید می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «اگر می‌خواهید برای قیام آمده شوید، ابتدا به روابط مالی خود با دیگران توجه کنید. آیا در معاملات با



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

برادر دینی خود صادق و امانت دار هستید؟ آیا از حق او تجاوز نمی کنید؟» این روایت نشان می دهد که در نگاه اسلام، عدالت اقتصادی و اخلاق فردی دو روی یک سکه هستند. اگر می خواهیم جامعه ای عادلانه و برابر داشته باشیم، باید ابتدا به اصلاح خودمان و روابطمان با دیگران پردازیم. این رویکرد نه تنها با آموزه های اسلامی، بلکه با مطالعات اقتصادی مدرن نیز همخوانی دارد. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که رشد اقتصادی پایدار تنها زمانی امکان پذیر است که عدالت اجتماعی نیز برقرار باشد.

حضرت آقا (علیه السلام) در سخنرانی های خود بارها بر اهمیت پیوندهای اخلاقی و اجتماعی در جامعه اسلامی تاکید کرده اند. ایشان می فرمایند: «در جامعه ولایی، افراد مانند کوهنوردانی هستند که در ارتفاعات صعب العبور، با بندهایی به هم متصل شده اند تا از سقوط یکدیگر جلوگیری کنند». این یعنی چه؟ یعنی ما باید در همه حال، به خصوص در شرایط سخت، به هم کمک کنیم و از هم حمایت کنیم.

یکی از مهم ترین این پیوندها، پیوند مالی است. امام باقر (علیه السلام) می فرمایند: «اگر می خواهید برای قیام آماده شوید، ابتدا به روابط مالی خود با دیگران توجه کنید». این یعنی چه؟ یعنی ما باید در معاملات با یکدیگر صادق و امانت دار باشیم و از حق همدیگر تجاوز نکنیم.

حضرت آقا (علیه السلام) فرموده اند: «برای اینکه در منطق انقلاب جلو بیایید باید جهادی باشید نه تافته جدا بافته»؛ یعنی ما نباید مانند انسان غربی که فقط به فکر منافع شخصی خود است، عمل کنیم. ما باید با روحیه جهادی و با همدلی و همکاری، مشکلات را حل کنیم. در حوزه اقتصاد نیز، این رویکرد بسیار مهم است. حضرت آقا (علیه السلام) در دیدار با تولیدکنندگان فرموده اند: «حل مسئله اقتصاد هم با ورود مردم و حداکثری کردن نقش این لایه های اخلاقی است»؛ یعنی برای حل مشکلات اقتصادی، تنها به دولت نباید تکیه کنیم. مردم هم باید با مشارکت فعال خود، به حل مشکلات کمک کنند. قرآن کریم نیز بر اهمیت ارتباطات اجتماعی و همکاری بین افراد تاکید کرده است. آیه شریفه ﴿اصْبِرُوا



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا^۱ به ما می‌آموزد که باید صبر پیشه کنیم، با یکدیگر همکاری کنیم و ارتباطات خود را تقویت کنیم.

بحران سلامت روان در غرب؛ فرصتی برای بازنگری در سبک زندگی

یکی از نتایج فردگرایی و دور شدن از معنویت را می‌توان در وضعیت سلامت روان جوامع غربی مشاهده کرد. در کشورهای اروپایی، به‌ویژه در دانمارک که به عنوان شادترین کشور جهان شناخته می‌شود، بیش از نیمی از دختران زیر ۱۸ سال به روان‌پزشک مراجعه می‌کنند. این در حالی است که دلایل اصلی مراجعه آن‌ها، مانند افسردگی و اضطراب، ریشه در سبک زندگی فردگرایانه و فاصله گرفتن از ارزش‌های معنوی دارد. همچنین، آمار بالایی ابتلا به سرطان مرتبط با مصرف الکل در این کشورها، نشان‌دهنده عواقب زیانبار سبک زندگی غربی است. در مقابل، ما مسلمانان با داشتن دستورات دینی و اعمالی مانند نماز، دعا و توسل، ابزارهای قدرتمندی برای حفظ سلامت روان و سعادت خود داریم. اما سوال اینجاست که آیا ما به اندازه کافی از این ابزارها استفاده می‌کنیم؟ آیا توانسته‌ایم ارزش این گنجینه‌های معنوی را در زندگی خود نشان دهیم؟

در غرب، مردم میلیاردها دلار برای درمان بیماری‌های روانی هزینه می‌کنند، اما همچنان از مشکلات روحی رنج می‌برند. این در حالی است که ما با تکیه بر ایمان و توسل به خداوند، می‌توانیم به سلامت روان پایدار دست پیدا کنیم. اما چرا اهمیت این موضوع در جامعه ما کمتر دیده می‌شود؟ یکی از دلایل آن این است که ما هنوز نتوانسته‌ایم ارزش واقعی این دستورات دینی را به طور کامل درک کنیم و آن‌ها را در زندگی خود پیاده کنیم.

البته، پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی که در کشورمان حاصل شده است، قابل انکار نیست. اما نباید فراموش کنیم که این پیشرفت‌ها به تنهایی برای رسیدن به سعادت کافی نیست. ما باید به موازات توسعه اقتصادی، به رشد معنوی خود نیز اهمیت دهیم. در نهایت، باید به یاد داشته باشیم که خداوند وعده داده است که به کسانی که تقوای الهی پیشه کنند، راه نجات و روزی خواهد داد.^۲

از فردیت‌گرایی تا ولایت‌مداری؛ درس‌هایی از عاشورا

ماجرای عاشورا، تنها یک واقعه تاریخی نیست؛ بلکه سرشار از درس‌های آموزنده برای زندگی فردی و اجتماعی ماست.

(۱) سوره آل عمران آیه ۲۰۰

(۲) سوره طلاق آیه ۳ ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾



کارکرد اندیشه ولایت در مساله اقتصاد

یکی از مهم‌ترین این درس‌ها، مبارزه با فردیت‌گرایی افراطی و حرکت به سمت ولایت‌مداری است. فردیت‌گرایی، یعنی اولویت دادن به منافع شخصی بر منافع جمعی. این تفکر، مانع از اتحاد و همدلی مردم می‌شود و در نهایت به شکست آن‌ها می‌انجامد. در مقابل، ولایت‌مداری، یعنی پیروی از ولی خدا و اولویت قرار دادن منافع جامعه بر منافع شخصی.

در واقعه عاشورا، بسیاری از یاران امام حسین (علیه السلام) به دلیل فردیت‌گرایی از امام (علیه السلام) جدا شدند. برخی به دنبال منافع دنیوی بودند و برخی دیگر به فکر حفظ جان خود بودند. اما یاران واقعی امام (علیه السلام)، کسانی بودند که از جان و مال خود گذشتند تا دین خدا را یاری کنند. امروزه نیز ما با چالش فردیت‌گرایی روبرو هستیم. بسیاری از افراد، به دنبال کسب ثروت و لذت‌های دنیوی هستند و به مسائل اجتماعی و مشکلات دیگران بی‌تفاوت‌اند. اما اگر بخواهیم جامعه‌ای سالم و پیشرفته داشته باشیم، باید از فردیت‌گرایی فاصله بگیریم و به سمت ولایت‌مداری حرکت کنیم.

اقتصاد اربعین، نمونه‌ای بارز از اقتصاد مبتنی بر ولایت‌مداری است. در این رویداد عظیم، میلیون‌ها نفر از سراسر جهان برای خدمت به زائران اباعبدالله الحسین (علیه السلام) هزینه می‌کنند و از هیچ کمکی دریغ نمی‌کنند. این در حالی است که در اقتصاد مبتنی بر فردیت‌گرایی، هر فرد تنها به دنبال منافع شخصی خود است. در نهایت، باید گفت که امام حسین (علیه السلام) با فداکاری خود، راهی را برای ما نشان داد که چگونه می‌توانیم از فردیت‌گرایی عبور کنیم و به جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و برابری دست پیدا کنیم.

والله اعلم



مقام معظم رهبری (علیه السلام):

«ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه‌ی حل مشکلات اقتصادی به همه‌ی دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملتها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه‌ی اسلام و با تعالیم اسلام چگونه میتواند پیشرفت کند.»

(بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰؛ ۱۳۹۰/۰۱/۰۱)

ماجرای عاشورا، تنها یک واقعه تاریخی نیست؛ بلکه سرشار از درس‌های آموزنده برای زندگی فردی و اجتماعی ماست. یکی از مهم‌ترین این درس‌ها، مبارزه با فردیت‌گرایی افراطی و حرکت به سمت ولایت‌مداری است. فردیت‌گرایی، یعنی اولویت دادن به منافع شخصی بر منافع جمعی. این تفکر، مانع از اتحاد و همدلی مردم می‌شود و در نهایت به شکست آنها می‌انجامد. در مقابل، ولایت‌مداری، یعنی پیروی از ولی خدا و اولویت قرار دادن منافع جامعه بر منافع شخصی.